



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۷/۰۱



میر عبدالواحد سادات

## مقابله با پلانهای سوپر شیطانی پاکستان



### بخش اول

پرداختن دقیق و پاسخ درست به این موضوع ایجاب می نماید تا این سؤال اساسی را مطرح نماییم : چرا پاکستان درین هفت دهه به استثناء بعضی مقاطع، همیشه دست بالا دارد؟ بزرگترین ضعف تاریخی ما: در شعارزدگی ما است که مانع برخورد شعوری ما با مسائل و مصایب می گردد و البته علت تاریخی آن همانا:

فقدان حاکمیت عقل است که بر حسب ذهن و عادت شرقی طرح آنرا " کسرشان " و حتی توهین می پنداریم. تا زمانیکه با عقلانیت سیاسی به این سؤال نپردازیم و علل ضعف و ناکامی خود را مشخص نسازیم: کماکان در برابر این کشور تصنعی و مخلوق استعمار، با سیستم ناپایدار سیاسی که نیم عمر آن با کودتاها و سیادت نظامیان سپری گردیده، بازنده و با پلان های سوپر شیطانی و طراز انگریزی آن مقابله نمی توانیم . افول تاریخی ما بعد از نخستین جمهوریت و تا کنون باچگونگی پاسخ به این سؤال گره خورده است . عواقب نامیمون عملکرد این کشور پای بزرگترین قدرتهای جهان و سازمانهای طراز اول نظامی در دهه هشتاد اتحادشوری و پیمان وارسا و اکنون امریکا و ناتو را در سرزمین ما کشانیده است و از عجایب روزگار که باز هم در سراشیب سقوط دقیقه شماری داریم و اما :

خوش هستیم که:

- پاکستان را "دال خور" بگوییم و درد خود را تسکین و کتمان نماییم !!!
- رمز اصلی و شاه کلید "موفقیت" پاکستان کدام است؟

که درین هفت دهه و خاصاً درین حدود نیم قرن اخیر در بحرانی ترین شرایط و منجلا ب کشمکش های کلان بین المللی از دوران جنگ سرد و تا دور جدید "بازیهای بزرگ" و اوج رقابت رقبای جیوستراتژیک جهانی با هفت رئیس جمهور امریکا و شش سکندار کرملین به مثابه دوست ستراتیژیک غول اقتصادی چین در دشمنی مداوم با قدرت بزرگ

هندوستان رقیب، مالک اردوی قدرتمند و " بمب اتمی اسلامی " و " شریک غیر اروپایی ناتو " به حیث یک قدرت منطقی مطرح است .

در حالیکه دیگر از کفر ابلیس معروفتر است که:

پاکستان مرکز شرارت پیشگان جهان و بزرگترین زراد خانه تولید ذهنیت تکفیری و تروریست است که حتی بزرگترین حامی انکشور امریکا نیز بدان معترف و نخستین توییت سال قبل آقای ترامپ آنرا علنی ساخت . جنگ اعلام نشده پاکستان چهل و چهار سال قبل با تجهیز و اعزام تخریبکاران آغاز و تا کنون با تمام ابعاد آن ادامه دارد که به قیمت نابودی هستی مادی و معنوی و شهادت ملیون ها افغان و افغانستان قربانی تجاوز آن کشور می باشد .

و هیئات افسوس و صد افسوس:

که اکنون این دشمن تاریخی افغانستان مقدرات تاریخی ما را رقم میزند و برای ما باز هم حکومت می سازد و دسته های تبر (جلابان سیاسی) به خاطر همنوایی با این پلان های شوم و شیطانی به دربار پنجاب می شتابند . از دید این قلم رمز اصلی و شاه کلید موفقیت پاکستان:

در تداوم مؤسسه دولت درین کشور، قوای مسلح مقتدر، استخبارات نیرومند، کدر آگاه ملی و قدرت بزرگ لابی گری در جهان می باشد .

پاکستان تعریف دقیق و روشن از منافع ملی خود دارد که هر پاکستانی اعم از ملکی و نظامی، ملا و تاجر و ... بدان باور دارند . بر مبنای همین باورمندی هیچ زمامدار، جنرال و مولانای پاکستان از دشمنی با هندوستان و افغانستان دست نمی کشند .

برخلاف ما در چه موقعیت هستیم؟

در تمام این مراحل ما مسیر تضعیف دولت را پیموده و سقوط، انارشی و سیطره مستقیم پاکستان را تجربه و با بلندترین رقم مهاجر، زیادترین کشته، معلول، یتیم، بیوه، معتاد و ... به حیث ناامن ترین کشور در جهان شناخته می شویم .

در هجده سال اخیر و با صرف میلیارد ها دالر در گسترده ترین هجوم نظامی و حضور وسیع امریکا، سازمان ناتو و متحدان آن به عوض دولت، شرکت سهامی طراز جهادی - طالبی و مافیایی و کلیپتوکراسی حاکم و به عوض بازار آزاد، بازار فساد هموار و به مثابه فاسد ترین دولت جهان راجستر هستیم .

بحران مشروعیت، بحران اعتماد و افتراق ملی مصایب بزرگ که مانع اعمال حق حاکمیت ملی و گذار به پروسه دولت - ملت و رفتن به شاهراه صلح و ترقی می گردد .

پاشنه اشیل افغانستان:

فقدان دولت ملی قانون محور و عدالت گستر می باشد که راه را به اقتدار نیرومند ملی هموار نماید تا ما تعریف روشن از منافع ملی داشته باشیم و با چنگ زدن به وحدت ملی (که به قول شاه امان الله موجودیت افغانستان در گرو آن است) و مصالح علیای کشور از آتش افتراق ملی، با نه گفتن به شهونیزم و سکتاریزم از خود محوری، تنظیم و حزب محوری، قوم و سمت محوری گذار نماییم .

همین فقدان دولت ملی باعث گردیده تا به قول مرحوم مجروح به عوض "قوه جاذبه ای مرکز به قوه دافعه عن المركز" به زور و زر سالار، جنگسالار، "قانون ستیزان مرکز گریز و مرکز گرایان بی قانون" زمینه مساعد گردد تا در خدمت منافع جیوپولیتیک اجانب و همسایه حریص به خاطر منافع شخصی شان مؤسسه دولت را دور بزنند. در شش ماه اخیر که به حساب منافع خاص امریکا از سریال صلح موج از سراب را ایجاد نموده است ما به خوبی مصداق این واقعیت تلخ را مشاهده می نماییم که گروهی از جلابان سیاسی از نام مردم افغانستان در پایتخت های ممالک ذینفوذ بر طالبان سرگردان اند و ماحصل تلاش شان:

"قباحت زدایی" از طالبان و "مشروعیت زدایی" از نهاد دولت و زمینه سازی به پلان پاکستان به خاطر "دولت موقت" و صدور امارت اسلامی طالبان به قیمومیت انکشور می باشد.

تلاش اخیر درین راستا سفر با عجله يك "دلگی" از سیاسیون (جلابان سیاسی) به شهر لاهور پاکستان است که حسب گذارش "تاند" با تحقیر آنان همراه گردید.

درین "دلگی" جلابان سیاسی و درین "جمع اضداد" از راست افراطی تا چپ افراطی و از نماد های سکتاریزم و شهونیزم و از شیعه تا سنی و ... همه از يك یخن سرکشیده و با ارادت خاص لکچر آقای وزیر خارجه پاکستان را همچون شاگردان تنبل مکاتب ابتدایی گوش دادند.

در حالیکه تا يك هفته دیگر دور هفتم اجلاس قطر پلان گردیده و در اجندای کار به اصطلاح کنفرانس لاهور حضور طالبان و یا ملاقات با احزاب سیاسی پاکستان مطرح نبود، سؤال ایجاد می گردد که چه اهداف پنهانی و کدام نیم کاسه در زیر کاسه وجود دارد.

بعد از ناکامی جلسه دوم "سیاسیون" با طالبان در مسکو اشتراک و نقش دولت افغانستان در پروسه صلح مورد توجه قرار گرفت.

نشست های سه قدرت بزرگ اعضای دایمی شورای امنیت (امریکا، چین و روسیه)، اتحاد اروپا مخصوصاً آلمان و سکرتر جنرال ناتو بر این اشاره و تأکید داشته اند.

بدینرو آشکارست که "کنفرانس لاهور" برای تضعیف موقف دولت افغانستان و تأثیر گذاری بر سفر چند روز بعد رئیس جمهور به پاکستان و مطرح ساختن طرح "حکومت موقت" سازماندهی گردیده است.

چنانچه تعدادی از مبصرین و مطبوعات پاکستان نیز بر اهداف پشت پرده در زمینه تأکید نموده اند.

در حالیکه در "کنفرانس طالبان و احزاب سیاسی پاکستان حضور نداشتند، این اشخاص نظرات شانرا بین خودشان و البته در محضر "اولیای امور" پاکستانی شان بیان نمودند.

پاکستان با تدویر کنفرانس به جانب افغانستان حالی ساخت که بر مخالفان مختلف دولت اشراف دارد و می تواند آنان را در پنجاب جمع نماید.

صحبت های انجام یافته درین "کنفرانس" پیرامون اساسی ترین موارد مربوط به زندگی مردم، جنگ و صلح که هست و بود افغانستان در گرو چگونگی حل و فصل آن است:

- بسیار عام و هوایی
- تقلیل گرایانه و ساده انگارانه
- فاقد پلان و برنامه

• فاقد ارزش محوری

• پوپولیستی

آقای محمد اکرم اندیشمند از بلند پایه گان جمعیت اسلامی که درین "کنفرانس شرکت داشت، در فیسبوک خود نوشته است:

"این گویا رهبران افغانستان که در کنفرانس صلح در مری پاکستان صحبت می کنند مانند امامان و واعظان مساجد سخن می گویند. این ها هیچ طرح مشخص برای صلح ارائه نمی کنند. این ها واقعاً نمی دانند. با این ها افغانستان نه به جایی می رسد و نه به صلحی"

تأکید مکرر بر اسلامی بودن دو کشور شاید "کشف خلاق" آقایان بوده و گویا اطلاع ندارند که همین کشور اسلامی و مولانا های خبیث آن درین بیشتر از چهار دهه دمار از روزگار مردم ما بیرون نموده اند و افغانستان قربانی جنگ اعلان نا شده و تجاوز جمهوری اسلامی پاکستان می باشد.

خوب است آقایان به یاد داشته باشند که :

اهداف سیاست خارجی کشورها را منافع ملی شان تعریف می نماید و طرح های ایدئولوژیک و دینی منجمله اخوت اسلامی به خاطر کتمان اعمال ضد انسانی شان مورد سوء استفاده قرار می گیرد.

مکئی کوتاه بر بخش های از صحبت آقایان با ادعاهای بزرگ و حتی کاندید ریاست جمهوری نشان میدهد که:

اگر این مکتب است و این ملا

حال "کشور" خراب می بینم



ادامه دارد

تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می

توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!